

دفاع مشروع، یک واکنش ذاتی است

«دفاع مشروع یا دفاع قانونی، حقی است که حقوق کیفری برای اشخاص در مورد دفاع از خود یا افراد دیگر[در صورت نیاز به کمک] در هنگام حمله افراد دیگر قائل شده است. دفاع مشروع در جایی پدید می آید که به جز ارتکاب جرم، هیچ راه دیگری برای دفع خطر ممکن نباشد. در این صورت، مدافع نه تعقیب و مجازات می شود و نه ضامن خساراتی است که به بار می آورد».

این تعریفی است که ویکی پدیا بیان می کند تا بدانیم که این «کلیدواژه» از قدمت و فراوانی قابل احترامی برخوردار است. هم در ادبیات دینی ذیل عنوان پرمفهوم «جهاد دفاعی» به آن پرداخته شده است و هم با تعریف «دفاع مقدس» در تاریخ انقلاب، پایه هویت سازی ایران شده است.

این کلمه بعد از حمله تنبیه کننده ایران به سرزمین های اشغالی برای ادب کردن صهیونیست ها، از فراوانی بسیاری برخوردار شده است؛ چنان که در ادبیات محاوره و فضای رسانه های رسمی و مجازی، شاهد پرکاربرد ی آن هستیم. آنچه به تأکید باید گفت، «ذاتی بودن دفاع» است. نه فقط نزد انسان که هر جاندار ی از خود دفاع می کند. لذا می توان دفاع مشروع را اصلی پذیرفته در تمام نظام های حقوقی دانست. آنان که در برابر اقدام تنبیهی ایران، به مخالفت برمی خیزند، بیشتر کسانی هستند که تا دیروز، وعده انتقام سخت را «یک رجزخوانی تنها» می خواندند. پست های پاک نشده شان آلوده به این گفتارهای سخیف است، اما وقتی «وعده صادق» را در هجوم پهلپادها و موشک ها دیدند، یک دفعه تغییر موضع داده اند و در پوزیشن عقلانیت رفته و حرف هایی می زنند که با دانشان ناسازگار است. نمی خواهیم بر اصالت و حقانیت «دفاع مشروع» دلیل شماری کنیم و آیه و حدیث، بیاورم.

قرآن و منابع روایی ما سرشار است از این حقیقت. سنت رسالت و امامت هم بر این مهم استوار شده است. «جهاد دفاعی»، مفهومی درون دینی و بر بستر تعالیم ولایت و نبوت است نه در مکاتب سیاسی یا حتی حقوقی. دفاع، ذاتی جان داران است. همین کسانی که به مخالفت، اخم در ابرو می نشانند و اگر به آنان از وجود ابرویی پرپشت یا تنک بالای چشمشان بگوییم، به چشم غره انکفا نخواهند کرد، بلکه دست بر یقه و مشت بر دهانتان خواهند زد. این هم منطق زندگانی و قاعده حیات است. ضعیف ترین موجود هم از خود دفاع می کند. آدم ها به صورت فردی، بی آنکه بر زبان بیاورند، فطرتا باورمند این مؤلفه حیاتی اند و آن را به شدت اخلاقی هم می دانند. همین نظام سازی فردی را اگر ترجمه اجتماعی و ملی بکنیم، جز این نخواهد بود که برای حفظ عزت و طین باید به «دفاع مشروع» اهتمام داشت. غیرت ملی و ایمان دینی هم این بایستگی را امضا می گذارد و عاملان دفاع را شایسته قدربینی و صدرنشینی می داند. ما هم نسبت خود را با مدافعان مقتدر وطن در این هندسه تعریف می کنیم.



شرح دعای امیرمؤمنان (ع) در روبرویی با دشمنان

امام علی (ع) در نامه ۱۵ نهج البلاغه این طور بیان می کنند؛ «خدا یا! قلب ها به سوی تو روان شده است...» در این دعا امام علی(ع) با قلبی ناراحت از بروز و ظهور جنگ و در حالت شکوه، به سمت خدای متعال رو می کنند و از کثرت دشمنان و پراکندگی مسلمانان در نبودن پیامبر اکرم (ص) به خدا شکایت می برند و سرانجام از خداوند، صلح و عدالت و پایان گرفتن جنگ را طلب می کنند.

در شرح و توضیح حالت حضرت و دلیل اندوه ایشان از بروز جنگ، می توان به این نکته اشاره کرد که مرد جنگاور و شجاعی مانند امیرالمؤمنین (ع) تمایلی برای آغاز جنگ ندارند؛ زیرا اسلام هرگز طرفدار جنگ و خونریزی نیست. حضرت امیر هر زمان که در میدان جنگ مقابل دشمن قرار می گرفتند، این دعا را می خوانند. این نشان می دهد که امام (ع) همواره یارانشان را به این نکته توجه می دادند که این جنگ برای برتری جویی و غلبه بر دشمن به منظور رسیدن به مال و مقام و غنائم نیست، بلکه جهاد است که یکی از عبادت های مهم است و باید به نام خدا و به یاد خدا در این میدان گام نهاد و پیروزی خود را تنها از او خواست. قدم نهادن در میدان جنگ باید با نیتی خالص و با قلبی مملو از عشق به خدا باشد؛ چون تنها به خاطر خداوند به دشمنان حق حمله می کنیم.

همان طور که ایشان نخست می فرمایند؛ «خداوند! قلب ها به تو پیوسته گردن ها به سوی تو کشیده شده، چشم ها به جانب تو خیره شده، قدم ها در راه تو جابه جا شده و بدن ها فرسوده شده است»، مجاهدان اسلام نیز در تمام برنامه هایی که دارند، هدفشان خداست. در قرآن مجید آمده است؛

«سزاوار نیست که اهل مدینه و کسانی از اعراب یادیه نشین که اطراف آن ها هستند، از پیامبر خدا جدا شوند و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم ببوشند؛ زیرا هیچ گونه تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا به آن ها نمی رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران شود، بر نمی دارند و ضربه ای از دشمن نمی خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آن ها نوشته می شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) صرف نمی کنند و هیچ سرزمینی را (به سوی میدان جهاد یا در بازگشت) نمی پیمایند، جز اینکه برای آن ها نوشته می شود تا خداوند آن را به عنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد». (سوره توبه، آیات ۱۲۱ و ۱۲۰).

امام علی(ع) در ادامه این سخن، به انگیزه دشمنان برای جنگ اشاره می کنند تا سربازانشان با حقیقت امر آشنا شوند؛ «خداوند! کینه نهانی این گروه، آشکار شده و دیگ های دشمنی و عداوت در سینه آنان به جوش آمده است».

این مطلب به این موضوع اشاره می کند که این ها همان کینه های عصر جاهلیت و زمان پیامبر اکرم (ص) است که در زمان پیروزی آن حضرت، همه را مخفی داشتند و به ظاهر مسلمان شدند، ولی کینه و عداوت را در دل پنهان می کردند و این منافقان بعد از زمان حیات پیامبر (ص)، زمینه را برای آشکار ساختن آن کینه ها مناسب دیدند. در پایان این دعا، بار دیگر دست توسل را به دامن لطف پروردگار می برند و با تعبیری که از صفای دل و نورانیت باطن و محبت به همه حتی به دشمن حکایت می کند، می فرمایند؛ «خداوند! شکایت خود را به سوی تو می آوریم که پیامبران از میان ما رفته است، دشمنان ما فراوان شده اند و خواسته ها و اهدافمان، مختلف و مشتت شده است. پروردگار! میان ما و قوم ما به حق داوری کن (و درهای پیروزی، صلح و عدالت را به روی ما بگشا) که تو بهترین داوری کننده گانی!».

این تعبیرات، بیانگر نهایت لطف و محبت امام (ع) حتی به دشمنان فریب خورده و گمراه است. تعبیر به «قَومنا» و تعبیر به «داوری کن» به جای «پیروز نما» و تعبیراتی که با صیغه جمع بیان شده است، «غَنَیْبُهُنَّا، وَتَشَشَّتْ أَهْوَائُنَا» همه نشان می دهد که هدف نهایی امام علی(ع) آن است که آن ها به سوی حق بازگردند و با دیگر مسلمانان، دست به دست هم دهند و در برابر دشمنان بایستند.



شهریار
SHAHARNEWS.IR
۲۳شنبه
۲۷خرداد۱۳۹۳
۶شماره
۲۱۳۳

۱۴



در گفت وگو با استاد سطوح عالی حوزه علمیه مطرح شد

دفاع مشروع، اصلی عقلی و بنیادین است

آمنه مستقیمي | عملیات موسوم به «وعده صادق» که در پاسخ به حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه اجرا شد و طی آن پهلپادهای ایرانی در شب ۲۵ فروردین به مواضع رژیم صهیونیستی در سرزمین های اشغالی حمله کردند، فرصتی را فراهم کرد تا با حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و محقق و مؤلف سیره اهل بیت (ع)، درباره ریشه های قرآنی دفاع مشروع و مقابله با تجاوز ظالمان، گفت وگو کنیم.

علاوه بر این، قرآن مجید در سوره مبارک اعراف، آیه ۱۳۷ می فرماید؛ «و طایفه ای را که فرعونیان، ذلیل و ناتوان می داشتند، وارث مشرق و مغرب زمین بابرکت (مصر و شامات) گردانیدیم...». اینجا نیز تصریح شده است اراده الهی بر آن است که مستضعفان بر مستکبران غالب شوند. ما هم باید همسو با این اراده الهی، به حمایت از مستضعفان برخیزیم و از آن ها دلدجویی کنیم تا زمینه غلبه بر ظالمان فراهم شود.

ایستادن مقابل ظالمان به اندازه ای در آموزه های دینی اهمیت دارد که با وجود مذمت غیبت و نکوهش آن در حد گناهی بزرگ تر از زنا، زمانی که انسان در معرض ظلم ظالمان قرار بگیرد، این کار اشکالی ندارد، چنان که خداوند در آیه ۱۴۸ سوره مبارک نسا می فرماید؛ «خدا دوست نمی دارد فردی به گفتار زشت (به عیب خلق) صدا بلند کند، مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد». این نشان می دهد غیبت که گناهی کبیره است، در مواجهه با ظلم ظالمان، مجوز می یابد و حتی هرگونه بدگویی را شامل می شود؛ یعنی افراد در مقابل ظلم ظالم حق دارند آشکارا غیبت و بدگویی کنند و این بدگویی از ظالم، مشروع است! به عبارت دیگر، در مواجهه با ظلم می توان و باید با گفتار و تبیین و روشنگری به دفاع از خود، مقابل ظالم، قدم علم کرد و این از مبانی قرآن است.

آیا می توان عملیات «وعده صادق» را مصداق و جلوه ای از عمل به آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأَدَّه أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ نَفَرٍ ذِي» دانست؟

این آیه، آموزه های متنوعی دارد؛ نخست قیام برای خدا نه دنیا؛ «لله بودن» در قیام های ما اهمیت بسیار دارد؛ یعنی اگر مقابل ظالم قد علم می کنیم، باید برای خدا باشد، نه رسیدن به قدرت دنیایی و مقامات شخصی. برپایه این تأکید درمی یابیم که همه مشکلات فردی و اجتماعی ما در انجام ندادن کارها برای خداست. آموزه دیگر آنکه قیام، برخاستن

دفاع مشروع و تنبیه متجاوز در آموزه های قرآنی ما چه جایگاهی دارد و در این باره چه مستندات دینی قرآنی ای می توان ارائه کرد؟

در موضوع دفاع مشروع و دفاع از مظلوم و تنبیه متجاوز و ظالم، باید گفت اسلام براساس عدل بنا شده است و چون عدالت با نیازهای فطری انسان همسوست، می کوشد آن را تأمین کند. براساس همین مبنای فطری، انبیای الهی در طول تاریخ درکنار مظلومان و مدافع مشروع آن هایی بودند که حقتان ضایع شده است، لذا برپایه آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)، دفاع مشروع، اصلی عقلی و بنیادین است. در روزگار ما هم موازین نظام اسلامی با نگاه به آیات و روایات، بر دفاع از مظلومان و دفاع مشروع از خاک و مواضع وطن تأکید می کنند. فراتر از آن، آیات قرآن بر جهاد برای دفاع مشروع تأکید کرده اند، چنان که قرآن کریم در آیه ۷۵ سوره مبارک نساء می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلَوهٖ فِی سَبِيلِ ...» چرا در راه خدا جهاد نمی کنید؟». این آیه، جهاد را برای دفاع از مستضعفانی که هدف ظلم قرار گرفته اند، ضروری می داند تا مقابل ظلم و ظالمان برخیزند و علیه متجاوزان قیام کنند.

قرآن کریم درباره نتیجه این دفاع و مقابله با ظلم ظالمان چه آینده و سرنوشتی را پیش بینی می کند؟

در این باره نکاتی تأمل برانگیز و کاربردی وجود دارد و قرآن کریم تأکید می کند که پیروزی اصلی و نهایی با مستضعفان است، چنان که در آیه ۵ از سوره مبارکه قصص می فرماید؛ «و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده در آن سرزمین، منت بگذاریم و آن ها را پیشوایان (خلق) قرار دهیم و وارث (ملک و جاه فرعونیان) گردانیم»؛ این یعنی اراده خدا بر آن تعلق گرفته است که مستضعفان، زمین را به ارث ببرند، لذا ما هم باید در خط اراده الهی حرکت کنیم تا حاکمیت مستضعفان بر مستکبران، محقق شود و این رسالت ما تا زمان ظهور امام عصر (ع) است.

باید از نشستن و نگریستن و دست روی دست گذاشتن پرهیزیم و مبارزه با ظلم را سرلوحه کار قرار دهیم؛ به ویژه آنکه ما داعیه زمینه سازی ظهور امام زمان (عج) و روی کار آمدن دولت کریمه را هم داریم

می توان گفت آنچه در عملیات وعده صادق و در تنبیه اسرائیل رخ داد، نه تنها دفاع مشروع بلکه از توصیه های اسلام و آموزه های قرآن است؟

در این باره نظر قرآن واضح و روشن است و در این باره صبور نیست و صلاح نمی داند که با ظالمان کنار بیاییم و باید فرصت را غنیمت بشماریم. حتی باورهای اخلاقی هم تأکید می کنند با ظالمان برخورد کنیم، به عبارت دیگر، این سرلوحه کار ماست که نباید در این باره تعلل کنیم و فردی و دویه دو باید حرکت کنیم. اگر رفیق داشتیم، چه بهتر و اگر نداشتیم، خودمان پیش برویم؛ مثل حضرت مسلم (ع) که به تنهایی راهی کوفه شد و حتی یک روز هم به عبید... بن زیاد فرصت نداد و منتظر نماند کسانی برسند و همراهش شوند. امروز ما هم که خود را محب و پیرو مکتب حسینی می دانیم، باید راه و طریقمان همین باشد؛ از نشستن و نگریستن و دست روی دست گذاشتن پرهیزیم و مبارزه با ظلم را سرلوحه کار قرار دهیم؛ به ویژه آنکه ما داعیه زمینه سازی ظهور امام زمان (عج) و روی کار آمدن دولت کریمه را هم داریم و در تصریح روایات است که انتظار فرج، عمل است، نه حالتی صرفا قلبی و روحی و از جنبه های این انتظار عملی، مبارزه با ظلم ظالمان و دفاع از مظلومان مقابل آن هاست.

